

## A Comparison of Different Theories about the Priority of Economic Growth and Income Distribution

Mohammad Lashkary,

Associate Professor. Department of Economics, Payame Noor University, Iran, Mashhad

**Abstract:** Some economists believe that unequal distribution of income is due to inequitable distribution of wealth and property. There are three opinions among economists about the priority of economic growth over income distribution or priority of income distribution over economic growth for which they have many rigorous reasons. According to the first opinion, growth is prior to income distribution. According to the second one, income distribution is prior to growth and according to the third one, they have no priority over each other which is close to the Islamic Economy Theory. The purpose of the current paper is to compare different economic views about the priority of economic growth and income distribution. The research method is descriptive. Library research was used to collect data. The paper tries to find the answer to this question that "To make sure justice is served which one is the top priority: equitable income distribution or economic growth?" The results showed that economic growth and income distribution do not have priority over each other but equitable income distribution along with economic growth can lead to sustainable growth and increase the motive to participate in production.

**Key words:** Income distribution, Equitable distribution of opportunities, Social justice, Economic growth, Islamic economy.

## مقایسه نظریه‌های مختلف در رابطه با تقدم رشد اقتصادی و توزیع درآمد<sup>۱</sup>

محمد لشکری<sup>۲</sup>

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور

**چکیده:** برخی از اقتصاددانان علت توزیع نابرابر درآمد را توزیع ناعادلانه ثروت و دارایی می‌دانند. در مورد اولویت رشد اقتصادی بر توزیع درآمد یا اولویت توزیع درآمد بر رشد اقتصادی سه دیدگاه وجود دارد. از هر دیدگاه تعداد زیادی از اقتصاددانان با استدلال دفاع می‌کنند. در دیدگاه اول رشد بر توزیع درآمد اولویت دارد. در دیدگاه دوم توزیع درآمد بر رشد اولویت دارد و در دیدگاه سوم هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارند. نظریه اقتصاد اسلامی با دیدگاه سوم مطابقت دارد. هدف مقاله حاضر مقایسه دیدگاه‌های مختلف اقتصادی در مورد تقدم رشد اقتصادی و توزیع درآمد است. روش تحقیق توصیفی است. اطلاعات تحقیق به صورت کتابخانه‌ای جمع آوری شده است. مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤال بوده است که برای اجرای عدالت توزیع عادلانه درآمد در اولویت است یا رشد اقتصادی؟ نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که رشد اقتصادی و توزیع درآمد اولیتهایی نسبت به یکدیگر ندارند بلکه توزیع عادلانه درآمد همراه با رشد اقتصادی می‌تواند پایداری رشد را تداوم بخشیده و انگیزه مشارکت در تولید را افزایش دهد.

**کلیدواژه‌ها:** توزیع درآمد، توزیع عادلانه فرصت‌ها، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی، اقتصاد اسلامی

<sup>۱</sup> این مقاله از طرح پژوهشی با عنوان مقایسه نظریه‌های مختلف در رابطه با تقدم رشد اقتصادی و توزیع درآمد استخراج و با حمایت مالی دانشگاه پیام نور تهیه شده است

<sup>۲</sup> Lashkarym@Yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۷

## مقایسه نظریه‌های مختلف در رابطه با تقدم رشد اقتصادی و توزیع درآمد

### ۱. مقدمه

در هر کشوری برای عوامل تولید درآمد ایجاد می‌شود. مجموع درآمدهای کلیه عوامل تولید درآمد ملی خوانده می‌شود برای اندازه‌گیری درآمد ملی چند روش وجود دارد که در کتاب‌های اقتصاد کلان در مورد آن بحث می‌شود این روش‌ها عبارتند از:

۱. روش ارزش افزوده

۲. روش مجموع درآمدها

۳. روش مجموع هزینه‌ها

برخی از اقتصاددانان به توزیع از دید تولید می‌نگرند، دیوید ریکاردو از سایر اقتصاددانان در مورد توزیع درآمد بیشتر بحث کرده و معتقد است که درآمد فئودال‌ها و زمین‌داران در طول زمان افزایش و درآمد سرمایه‌داران کاهش می‌یابد و درآمد کارگران ثابت است (لشکری، ۱۳۸۹، ۸۰).

توزیع درآمد یک موضوع ارزشی است و در اقتصاد اثباتی خیلی به آن پرداخته نمی‌شود در اقتصاد خرد بیش از ۹۰ درصد بحث‌ها به تخصیص بهینه منابع مربوط می‌شود. آن بخشی از بحث‌ها هم که به توزیع می‌پردازد با این نگاه که با حداقل سازی هزینه و حداکثر سازی سود تا حد امکان باید به فکر تولید باشیم، تولید درآمد ایجاد خواهد کرد، این درآمد مصرف خواهد شد مصرف هر فرد و هرگروه درآمد افراد و گروه‌های دیگر را افزایش می‌دهد و به این ترتیب درآمد طبقات پایین جامعه هم افزایش می‌یابد.

توزیع نابرابر درآمد از نظر عدالت اجتماعی نامطلوب است. از نظر رشد اقتصادی نیز افزایش نابرابری موجب نارضایتی و خشم طبقات پایین اجتماعی که بار اصلی تولید را بر دوش می‌کشند، می‌شود و در نهایت به آشوب‌های اجتماعی و جنگ داخلی و نابود شدن پایه‌های

اجتماعی و سیاسی فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شود (هایامی، ۱۳۸۰؛ ۲۱۶).

تا دو دهه قبل اغلب کشورهای در حال گذر به دنبال رشد بیشتر اقتصادی بودند تجربه اخیر این کشورها نشان می‌دهد که علی‌رغم نرخ بالای رشد اقتصادی نرخ بیکاری و کم‌کاری افزایش یافته و شکاف بین درآمد ثروتمندان و فقرا هر روز بیشتر می‌شود. رشد اقتصادی که باید به هدف اصلی تمام نظریه‌های توسعه که نابودی فقر است منتهی شود، موجب فقر بیشتر مردم کشورهای در حال گذر شده است.

نابرابری درآمدی تنها بخشی از نابرابری‌های وسیع - اجتماعی در کشورهای در حال گذر است. نابرابری‌های درآمدی خود موجب نابرابری‌های آموزشی، بهداشتی، منزلت اجتماعی، قدرت، اعتبار، رضایت شغلی، نرخ - مشارکت، آزادی انتخاب، شرایط کار، اعتماد به نفس و سایر نابرابری‌ها می‌شود.

اکثر اقتصاددانان شکوفایی اقتصادی را مرهون دخالت دولت‌های در فعالیت‌های اقتصادی می‌دانند. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین معیارهای توسعه اقتصادی توزیع مناسب و متعادل درآمد است. توزیع مناسب درآمد بدون دخالت دولت صورت نمی‌گیرد زیرا بخش خصوصی در کشورهای در حال گذر ناکارآمد بوده و تخصیص منابع را به سمت اهداف سودآور کوتاه‌مدت هدایت می‌کند و توزیع درآمد را به شدت نابرابر می‌نماید. اقتصاد عادلانه مبتنی بر فعالیت بخش خصوصی در تولید و نظارت بخش عمومی بر توزیع است.

کشورهای توسعه یافته صنعتی نسبت به کشورهای در حال گذر توزیع درآمد مناسب‌تری دارند. علت این امر وجود مالیات‌های مستقیم تصاعدی و سیستم تأمین اجتماعی کارآمد شامل بیمه بیکاری، بیمه غرامت، حداقل دستمزد و بیمه درمانی است. با وجود بیمه عمر در این کشورها امنیت شغلی نسبتاً بالا است.

می‌شود. تحلیل دیدگاه‌های مختلف در مورد رابطه رشد و اقتصادی و توزیع درآمد در بخش پنجم می‌آید. در بخش ششم نظریه اقتصاد اسلامی در مورد تقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمد تحلیل می‌شود. عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد در بخش هفتم بررسی می‌شود. در بخش هشتم نقش دولت در توزیع عادلانه درآمد و در بخش نهم نتیجه بحث و در بخش دهم پیشنهادات ارائه می‌شود.

## ۲. ادبیات موضوع

راولز در نظریه عدالت برداشتی از عدالت مطرح کرده و آن را "عدالت به مثابه انصاف" می‌خواند (راولز، ۱۳۸۳: ۱۱). مطابق عدالت به مثابه انصاف، فقط آن دسته از نابرابری‌ها در ثروت و درآمد را مجاز می‌شمارد که به نفع محروم ترین افراد باشد.

نابرابری‌های اقتصادی همیشه مذموم نیست. آنچه ارزش ذاتی دارد عدالت است نه برابری، زیرا عدالت برابری نیست و عدالت توزیعی تنها یکی از جنبه‌های عدالت است (سن؛ ۱۳۸۶: ط).

راولز می‌گوید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به دو شرط قابل قبول است نخست این‌که نابرابری‌ها باید مختص به مناسبت و مقام‌هایی باشد که تحت شرایط برابری منصفانه فرصت‌ها باب آن‌ها به روی همگان گشوده است و دوم این‌که نابرابری‌ها باید بیشترین منفعت را برای محروم‌ترین اعضای جامعه داشته باشد (سن، ۱۳۸۶: ی).

سن (۱۹۷۳) نظریه اقتصاد رفاه بالاخص نظریه انتخاب اجتماعی را برای مطالعه نابرابری اقتصادی به خدمت می‌گیرد و یک بیان سیستمی از چارچوب مفهومی و مسائل عملی اندازه‌گیری نابرابری ارائه می‌دهد.

بین نابرابری و آشوب اجتماعی رابطه دو سویه وجود دارد (سن، ۱۳۸۵: ۲). در حالی که احساس نابرابری به عنوان یکی از عوامل اصلی آشوب در جوامع از وضوح کافی برخوردار است، در عین حال مهم است که بدانیم

برخی از اقتصاددانان علت توزیع نابرابر درآمد را توزیع ناعادلانه ثروت و دارایی می‌دانند بنابراین پیشنهاد می‌کنند برای از بین بردن نابرابری‌های درآمدی باید توزیع عادلانه ثروت و دارایی انجام گیرد تا به دنبال آن توزیع درآمد - عادلانه شود (لشکری، ۱۳۹۲، ۲۴۲).

در کشورهای در حال گذر گروهی اقلیت بر جامعه تسلط دارند و منابع ثروت، قدرت و فرصت‌های مناسب - اجتماعی و اقتصادی را در دست دارند، در این جوامع اکثریت مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و از امکانات اولیه زندگی محرومند.

مشخصه جهان امروز نابرابری درآمدی بسیار گسترده میان کشورها در سطح بین‌الملل و میان گروه‌های اجتماعی در داخل کشورها است.

بر اساس گزارش توسعه جهانی ۱۹۹۲، بانک جهانی متوسط درآمد سرانه سالانه در سال ۱۹۹۰ از سطح حدود ۲۰۰۰۰ دلار آمریکا در کشورهای پر درآمد عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) تا سطح بسیار پایین حدود ۱۰۰ دلار در کشورهایی که در انتهای گروه کشورهای کم درآمد قرار دارند، مانند موزامبیک، تانزانیا و ایتوپی در جنوب صحرای آفریقا دامنه داشته است (هایامی، ۱۳۸۰: ۲۷).

اندازه و وسعت فقر در هر کشور تابع دو عامل است:

الف) سطح متوسط درآمد ملی

ب) درجه نابرابری در توزیع درآمد (تودارو، ۱۳۷۷،

۵۱).

در کشورهای در حال گذر سطح متوسط درآمد ملی نسبت به کشورهای صنعتی پایین‌تر و درجه نابرابری در توزیع درآمد بالاتر است. بنابراین وسعت فقر در این کشورها بیشتر از کشورهای صنعتی است.

این مقاله به صورت زیر سازمان‌دهی شده است. ادبیات موضوع در بخش دوم می‌آید. در بخش سوم انواع معیارهای توزیع درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش چهارم نحوه اندازه‌گیری توزیع درآمد ارائه

(توکلی، ۱۳۸۶: ۴۵). اقتصاد کارا لزوم توزیع عادلانه ثروت و درآمد را به دنبال نخواهد داشت. اقتصاد می تواند کارا باشد، یعنی بیشترین تولید را با حداقل هزینه ایجاد کند ولی توزیع درآمد، ثروت و امکانات ناعادلانه باشد.

دادگر معتقد است مبادله محض - براساس بازار آزاد - ممکن است به نتایج کارآمد منجر گردد، اما مسأله کارایی تنها یک معیار از خوب بودن زندگی را پوشش می دهد (دادگر، ۱۳۸۶: ۲۲). بنابراین بازار به خودی خود عدالت را برقرار نمی کند بلکه لازمه اجرای عدالت دخالت دولت در اقتصاد است.

به نظر فراهانی فرد یکی از مشکلات نظام بازار آن است که رقابت به انگیزه شخصی و بدون توجه به ارزش های اخلاقی، فقر و نابرابری را می افزاید. در حقیقت بازار بی عدالتی می افزیند و دولت ها مجبور می شوند این نقیصه بازار را جبران کنند. هزینه جبران بی عدالتی های پدید آمده به وسیله بازار، بر دوش دولت سنگینی می کند و بر کسری بودجه آن می افزاید و دولت در دام استقراض داخلی و خارجی گرفتار می شود، دامی که دولت های رفاه در آن دست و پا می زنند (فراهانی فرد، ۱۳۸۳: ۶). آمار تیا سن معتقد است فقر مثل گرما است؛ شما نمی توانید آن را ببینید، فقط می توانید آن را احساس کنید. بنابراین برای آن که فقر را لمس کنید باید در متن آن قرار بگیرید. به رغم افزایش بی سابقه وفور و نعمات کلی در جهان، هنوز میلیونها نفر در کشورهای غنی و فقیر از نعمت آزادی محرومند. حتی اگر آنها به طور فیزیکی برده نباشند از آزادی اساسی محروم هستند و به گونه ای در فقر اقتصادی، محرومیت اجتماعی، ظلم و ستم سیاسی و یا اقتدارگرایی فرهنگی باقی مانده اند (سن، ۱۳۸۲: ۶).

احساس نابرابری یا درک این مفهوم اغواگر، تا حد زیادی به احتمال عملی وقوع آشوب وابسته است.

رضایی و لشکری مهم ترین عامل توزیع نابرابر درآمد را توزیع نابرابر عوامل تولید می دانند. آنها پس از بررسی نظریه توزیع درآمد آیت الله صدر پیشنهاد می کنند برای عادلانه تر شدن توزیع درآمد باید قبل از تولید توزیع عادلانه عوامل تولید بین افراد، گروه ها و بخش های مختلف اقتصادی صورت گیرد (رضایی و لشکری، ۱۳۷۹: ۱۷۲).

به نظر هندرسن و کوانت (۱۳۷۰: ۴۲۴) تا این اواخر، اکثر اقتصاددانان بر این باور بودند که مقایسه میان افراد خارج از حوزه تحلیل های اقتصادی است. در نتیجه آن ها هیچ مطلبی درباره توزیع درآمد و عدالت نگفته اند و یا اگر گفته اند بسیار ناچیز است. به هر حال این برخورد اقتصاد دانان در حال دگرگونی است و موضوعات توزیع درآمد و عدالت آشکارا در تئوری اقتصاد مطرح می شود.

کاتوزیان معتقد است که هیچ دستورالعمل سحرآسا یا اراده گرایانه ای وجود ندارد که از طریق جهان بینی های دولت گرایانه، بازار آزاد، یا هر طریق مشابه دیگر در زمینه رشد اقتصادی و عدالت معجزه کند؛ و نیز این که برای ارزیابی پیشرفت اقتصادی، ترازنامه تولیدی به مراتب گویاتر از میزان مصرف اجتماعی است، به ویژه آن که تماماً از تلاش های تولیدی جامعه نیز حاصل نشده باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۶۶). روشن است که پیشرفت اقتصادی و رفاه اجتماعی به امکانات و قابلیت های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور بستگی دارد؛ از جمله این که در عین حال که می توان این منابع را برای پیشرفت و رونق بیشتر به صورتی کارا مصرف کرد. واضح است که دولت یا بازار به تنهایی قادر به تأمین عدالت نیستند. چنانچه نگرش حاکم بر جامعه عدالت خواهانه باشد بازار و دولت هر دو می توانند ابزار اجرای عدالت باشند.

کارایی اقتصادی تنها یکی از اهداف اقتصادی است. از نظر اقتصادی کارایی یعنی ایجاد بیشینه منافع برای جامعه

## ۲. انواع معیارهای توزیع درآمد

معیارهای مختلفی برای توزیع درآمد وجود دارد که به شرح مهم‌ترین آنها می‌پردازیم.

### ۲.۱ توزیع درآمد شخصی

برای درک مفهوم درآمد شخصی از یک مثال استفاده می‌کنیم. فرض کنید فرد "الف" ۱۰۰۰ واحد و فرد "ب" ۸۰۰ واحد درآمد دارند. این توزیع درآمد صرفاً با اشخاص یا خانواده‌ها و کل درآمدی که آنها دریافت می‌کنند سر و کار دارد و طریقه کسب درآمد در نظر گرفته نمی‌شود. درآمد ممکن است تماماً از اشتغال ناشی شود یا از منابع دیگری نظیر بهره، سود، اجاره، هدیه و ارث کسب شود. اگر دو فرد "ج" و "د" درآمد سالانه شخصی برابری داشته باشند هر دو در یک طبقه قرار می‌گیرند صرف نظر از اینکه فرد "ج" ممکن است روزی ۱۶ ساعت کار کند و شخص "د" اصلاً کار نکند و بهره سرمایه‌اش را دریافت نماید.

### ۲.۲ توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید

در این دیدگاه مقیاس توزیع درآمد درصدی از درآمد ملی است که نیروی کار به عنوان دستمزد دریافت می‌کند در مقایسه با درصدی از درآمد ملی که به شکل سود، اجاره یا بهره توزیع می‌شود. به عنوان مثال فرض کنید ۱۰۰۰ واحد درآمد به صورت زیر توزیع شده است. این ارقام فقط می‌توانند نشان دهند که سهم کارگران، سرمایه‌داران، زمین‌داران و وام‌دهندگان از تولید ملی چقدر است. چون تعداد هر طبقه مشخص نیست راجع به عادلانه بودن یا ناعادلانه بودن توزیع نمی‌توان اظهار نظر کرد.

#### جدول ۱ توزیع فرضی درآمد ملی بین عوامل تولید

سهم	بهره	اجاره	سود	دستمزد
ارقام مطلق	۱۵۰	۳۰۰	۳۵۰	۲۰۰
درصد	۱۵	۳۰	۳۵	۲۰

### ۳. نحوه اندازه‌گیری توزیع درآمد

برای محاسبه توزیع درآمد روش‌های مختلفی وجود دارد که عبارتند از:

#### روش اول

گروه‌های اجتماعی را به سه طبقه ۱. درآمد بالا؛ ۲. درآمد متوسط؛ ۳. درآمد پایین تقسیم می‌کنند.

#### روش دوم

گروه‌های اجتماعی را به پنج طبقه درآمدی ۱. بالا؛ ۲. متوسط رو به بالا؛ ۳. متوسط؛ ۴. متوسط رو به پایین، ۵. پایین تقسیم می‌کنند.

#### روش سوم

گروه‌های اجتماعی را به ده طبقه درآمدی تقسیم می‌کنند و هر طبقه را یک دهک می‌نامند.

#### روش چهارم

گروه‌های اجتماعی را به بیست طبقه درآمدی تقسیم می‌کنند (رضایی و لشکری، ۱۳۷۹، ۱۷۸).

هر چه طبقات اجتماعی بیشتر شوند دقت بالا می‌رود ولی محاسبه مشکل‌تر می‌شود. روش معمول روش سوم یعنی دهک‌های درآمدی است. برای اندازه‌گیری درجه نابرابری توزیع درآمد بین دهک‌های مختلف از ابزارهای مختلف از جمله منحنی لورنز و ضریب جینی استفاده می‌کنند در بخش‌های بعدی به توضیح هر یک از آنها می‌پردازیم.

### ۳.۱ منحنی لورنز<sup>۱</sup>

منحنی لورنز توزیع‌های درصد تجمعی درآمد خانوارها (روی محور عمودی) را متناسب با توزیع‌های درصد تجمعی تعداد خانوارها (روی محور افقی) رسم می‌کند که مطابق با درآمد خانوارها از پایین به بالا مرتب شده‌اند.

منحنی لورنز رابطه کمی واقعی بین درصد دریافت‌کنندگان درآمد و درصد کل درآمدی را که آنان در

جدول ۲ توزیع درآمد شخصی بر حسب سهم گروه‌های درآمدی

افراد	درآمد شخصی (بر حسب واحد پول)		سهم نسبی از درآمد کل	
	گروه‌های پنج گانه	گروه‌های ده - گانه	گروه‌های پنج گانه	گروه‌های ده - گانه
A	۱/۸		۱/۸	۱
B	۵	۵	۳/۲	۲
C	۸/۹		۳/۹	۳
D	۱۴	۱۴	۵/۱	۴
E	۱۹/۸		۵/۸	۵
F	۲۷	۲۷	۷/۲	۶
G	۳۶		۹/۰	۷
H	۴۹	۴۹	۱۳	۸
I	۷۱/۵		۲۲/۵	۹
Z	۱۰۰	۱۰۰	۲۸/۵	۱۰

### ۲.۳ تفسیر منحنی لورنز

هر چه منحنی لورنز از خط برابری کامل دورتر باشد، درجه نابرابری درآمد بیشتر و هر چه به آن نزدیکتر باشد، درجه نابرابری درآمد کمتر است.

#### دو حالت حدی وجود دارد:

۱. منحنی لورنز برخط برابری کامل درآمد (OZ) منطبق شود در این صورت توزیع درآمد کاملاً برابر است.
۲. منحنی لورنز بر خط (OXZ) منطبق شود در این صورت نابرابری کامل است و یک نفر تمام درآمد ملی را به خود اختصاص می‌دهد.

در عمل هیچ کدام از دو حالت حدی اتفاق نمی‌افتد و منحنی لورنز بین خط برابری کامل و خط نابرابری کامل قرار می‌گیرد. نمودار ۲ دو منحنی لورنز نسبتاً برابر و نسبتاً نابرابر را نشان می‌دهد.

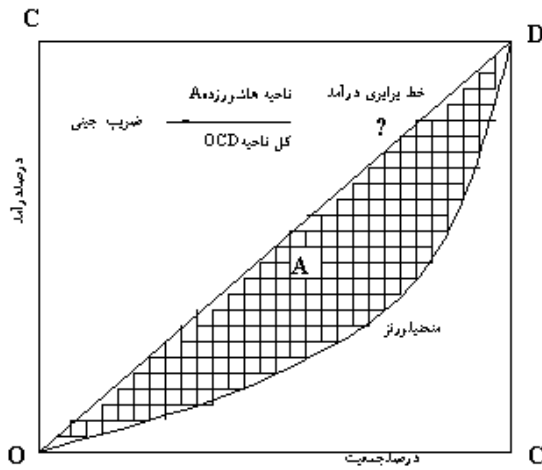
طول یک سال دریافت می‌دارند نشان می‌دهد (تودارو، ۱۳۷۷، ۱۴۳).

برای درک بهتر منحنی لورنز یک مثال فرضی در جدول ۲ آمده است در این جدول فرضی سهم گروه‌های درآمدی پنج گانه و ده گانه به طور جداگانه ذکر شده است. فرض می‌شود ۱۰ نفر در این جامعه زندگی می‌کنند سهم - گروه‌های درآمدی به صورت تجمعی محاسبه گردیده است.

برای رسم منحنی لورنز باید جمعیت را به صورت تجمعی روی محور افقی و درصد درآمد را روی محور عمودی به صورت تجمعی نشان دهیم و برای هر طبقه درآمدی درصد درآمد را به صورت تجمعی یعنی درآمد طبقه مذکور به اضافه درآمد کلیه طبقات پایین‌تر از این طبقه را مشخص و نقطه‌یابی کنیم. از وصل نقاط به دست آمده منحنی لورنز به دست می‌آید. نمودار ۱ منحنی لورنز فرضی را با استفاده از اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد. طول هر دو محور مساوی است و به قطعات ۱۰ درصدی تقسیم شده است. قطر OZ مربع از سمت چپ به راست رسم شده است. در هر نقطه بر روی قطر OZ درصد دریافت‌کنندگان درآمد با درصد درآمدهای دریافت شده برابر است به همین دلیل OZ را خط برابری کامل در توزیع درآمد شخصی می‌گویند. زیرا هر درصد گروه درآمدی همان درصد از کل درآمد را دریافت می‌کند. برای مثال گروه ۳۰ درصد پایین‌ترین طبقه ۳۰ درصد از درآمد را دریافت می‌کنند.

نقطه A نشان می‌دهد که ده درصد پایین‌ترین طبقه فقط ۱/۸ درصد از کل درآمد را دریافت می‌کند. نقطه B که ۲۰ درصد پایین‌ترین طبقه را نشان می‌دهد ۵ درصد، نقطه C که ۳۰ درصد پایین‌ترین طبقه را نشان می‌دهد ۸/۹ درصد و نقطه I که ۹۰ درصد پایین‌ترین طبقه را نشان می‌دهد ۷۱/۵ درصد از کل درآمد را دریافت می‌کنند.

ناعادلانه و بیش از ۰/۷۵ غیرقابل تحمل است و ممکن است به جنگ‌های داخلی و سقوط یک حکومت منتهی شود.



نمودار ۳ نحوه محاسبه ضریب جینی

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: الملک ببقی مع الکفر و لا ببقی مع الظلم سرزمین (حکومت) با کفر باقی می‌ماند ولی با ظلم باقی نمی‌ماند (وب ۱). کاد الفقر ان یکون الکفرا نزدیک بود فقرشان به کفر مبدل شود (وب ۲). من لا معاش له لا معاد له کسی که معاش ندارد معاد ندارد (وب ۳).

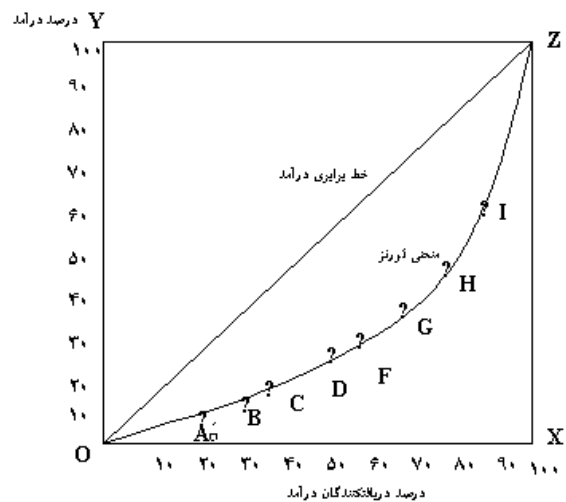
ظلم که از حد بگذرد نه ایمان باقی می‌ماند و نه انصاف و هر اتفاقی ممکن است رخ دهد.

ضریب جینی بین ۰/۲ تا ۰/۳۵ نسبتاً عادلانه و قابل قبول است. فرمول دیگری به شرح زیر برای محاسبه ضریب جینی پیشنهاد شده است:

$$G = 1 + \frac{1}{n} - \frac{2}{n^2} (y_1 + 2y_2 + \dots + ny_n) \quad (1)$$

در فرمول بالا متغیرها عبارتند از:

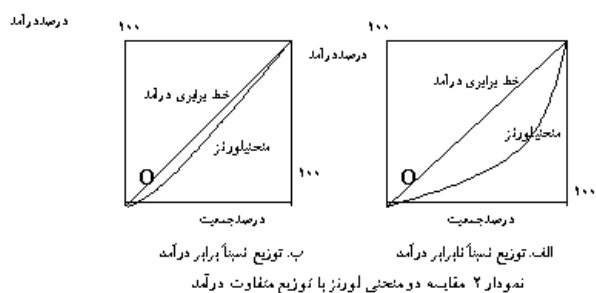
$n$  تعداد افراد جامعه (یا تعداد گروه‌های درآمدی)،  $y$  درآمد متوسط،  $y_1$  درآمد ثروتمندترین فرد یا گروه (گروه اول درآمدی)،  $y_2$  درآمد فرد یا گروه دوم و...  $y_n$  درآمد فقیرترین فرد یا گروه درآمدی (گروه آخر درآمدی) (متوسلی، ۱۳۸۲: ۲۱).



نمودار ۳ منحنی لورنز فرضی برای گروه‌های ده گانه درآمندی

### ۲.۳ ضریب جینی<sup>۱</sup>

آماردان ایتالیایی به نام جینی در سال ۱۹۱۲ با استفاده از منحنی لورنز مقیاس ساده و خلاصه‌ای به نام ضریب جینی را معرفی کرد. از نظر هندسی، ضریب جینی برحسب منحنی لورنز بیان می‌شود. | ضریب جینی نسبت مساحت بین قطر مربع و منحنی لورنز به کل مساحت نصف مربع است. در نمودار ۳ این نسبت از ناحیه هاشور زده A به کل مساحت مثلث BCD به دست می‌آید. برای هر درصد دریافت‌کننده درآمد یک ضریب جینی به دست می‌آید مجموع ضرایب جینی کل دریافت‌کنندگان درآمد یک مقیاس اندازه‌گیری نابرابری درآمد جامعه است.



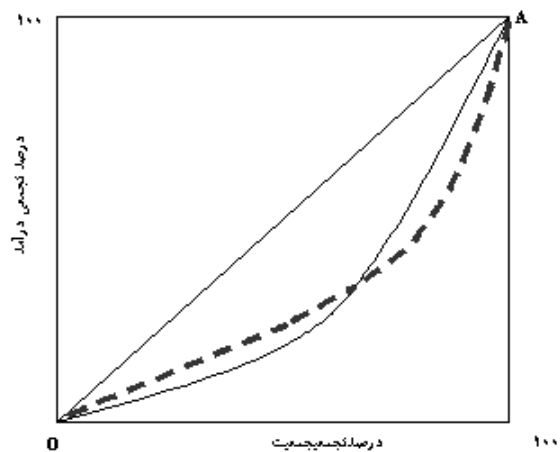
الف. توزیع نسبتاً نابرابر درآمد. ب. توزیع نسبتاً برابر درآمد. نمودار ۴ مقایسه دو منحنی لورنز با توزیع متفاوت درآمد

ضرایب جینی می‌تواند از صفر (برابری کامل) تا یک (نابرابری کامل) تغییر کند. ضریب جینی بیش از ۰/۵

## ۳.۳ مقایسه ضریب جینی و منحنی لورنز

در نمودار ۴ دو منحنی لورنز رسم شده که هر دو ضریب جینی یکسانی را دارند اما توزیع درآمد در دو جامعه متفاوت است. در جامعه‌ای که منحنی لورنز آن نقطه چین است در طبقات پایین، درآمد نسبتاً عادلانه‌تر و در طبقات بالاتر ناعادلانه‌تر است. در جامعه‌ای که منحنی لورنز آن خط پر است در طبقات پایین درآمد نابرابرتر از طبقات بالا است.

## منحنی لورنز با ضرایب جینی یکسان و توزیع متفاوت درآمد



نمودار ۴ مقایسه دو منحنی لورنز با ضرایب جینی یکسان و توزیع متفاوت درآمد

## ۴. تحلیل دیدگاه‌های مختلف در مورد رابطه رشد

## اقتصادی و توزیع درآمد

در مورد اولویت رشد اقتصادی بر توزیع درآمد یا اولویت توزیع درآمد بر رشد اقتصادی سه دیدگاه وجود دارد. از هر دیدگاه تعداد زیادی از اقتصاددانان با استدلال دفاع می‌کنند.

در دیدگاه اول رشد بر توزیع درآمد اولویت دارد. در دیدگاه دوم توزیع درآمد بر رشد اولویت دارد و در دیدگاه سوم هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارند. اکنون به تحلیل هر کدام از این سه دیدگاه می‌پردازیم.

## ۴. دیدگاه اول: اولویت رشد اقتصادی بر توزیع

## درآمد

این دیدگاه معتقد است که توزیع بسیار نابرابر درآمد شرط لازم برای رشد سریع اقتصادی است (تودارو، ۱۳۷۷، ۱۷۰).

استدلال اقتصادی این نظریه این است که شرط لازم رشد اقتصادی نرخ بالای پس‌انداز است، برای افزایش نرخ پس‌انداز باید درآمد طبقات بالای اجتماعی افزایش یابد چون ثروتمندان نیازهای اولیه خود را بر طرف نموده و با افزایش درآمد میل نهایی به مصرف آنها کاهش و میل نهایی به پس‌انداز افزایش می‌یابد. ثروتمندان درآمدهای اضافی را پس‌انداز می‌کنند و رشد اقتصادی تسریع می‌شود. این نظریه برای تقویت استدلال خود از اثرات رخنه به پایین استفاده می‌کند که به شرح آن می‌پردازیم.

اثرات رخنه به پایین<sup>۱</sup>

اگر تولید یک جامعه افزایش یابد در مراحل اولیه طبقات بالای جامعه از آن بهره‌مند می‌شوند. در مراحل بعدی اثرات مصرف این طبقات به طبقات پایین سرایت می‌کند و آنها نیز از اثرات رشد تولید بهره‌مند می‌شوند. به اعتقاد نظریه پردازان این نظریه با افزایش درآمد ثروتمندان اثرات رخنه به پایین رشد اقتصادی در مرحله بعد درآمد فقرا را هم زمان با افزایش تولید افزایش می‌دهد و از فشارهای تورمی جلوگیری می‌کند. در صورتی که فقرا نیازهای اشباع نشده دارند و با افزایش درآمد تقاضای آنها برای کالاهای مصرفی افزایش می‌یابد و چون عرضه بی‌کشش است تنها قیمت‌ها بالا می‌رود.

این نظریه در عمل صحیح نیست زیرا جامعه می‌تواند رشد داشته باشد ولی توزیع مناسب درآمد نداشته باشد و آثار رشد به طبقات پایین سرایت نکند.





#### ۲.۴ دیدگاه دوم: اولویت توزیع درآمد بر رشد اقتصادی

نظریه پردازان این دیدگاه با دیدگاه اول به چهار دلیل مخالفند و توزیع درآمد را بر رشد اقتصادی در اولویت قرار می‌دهند استدلال و دلایل آنها به شرح زیر است:

۱. ثروتمندان کشورهای در حال گذر تمایلی به پس‌انداز و صرفه‌جویی ندارند اغلب آنها بخش عمده‌ای از درآمد خود را صرف خرید کالاهای لوکس وارداتی، خانه‌های بزرگ و بسیار گران - قیمت، مسافرت به کشورهای دیگر، خرید جواهرات و طلا و مصرف کالاها و خدماتی که بیشتر جنبه تفاخر دارد می‌نمایند. بنابراین افزایش درآمد این طبقه تأثیری بر تولید ملی ندارد.

۲. افزایش درآمد اندک فقرا سطح زندگی آنها را از لحاظ، تغذیه مناسب، بهداشت و آموزش پایین نگه می‌دارد و لذا بهره‌وری اقتصادی آنها را کاهش می‌دهد که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر کند شدن رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد چون بار اصلی تولید را این قشر بر دوش می‌کشند.

۳. افزایش سطح درآمد طبقات پایین، تقاضا برای - کالاهای ضروری نظیر غذا، پوشاک، مسکن، آب آشامیدنی - سالم، آموزش و امنیت که عمدتاً در داخل تولید می‌شود را بالا می‌برد و این امر به - دنبال خود اشتغال و تولید ملی را افزایش می‌دهد. در صورتی که کالاهای مورد تقاضای ثروتمندان وارداتی بوده و موجب خروج ارز از کشور می‌شود و تولید ملی را کاهش می‌دهد.

۴. توزیع عادلانه درآمد از لحاظ روانی انگیزه نیرومندی برای افزایش نرخ مشارکت عموم مردم در فعالیت‌های اقتصادی و همکاری با برنامه‌های توسعه اقتصادی ایجاد می‌کند. بی - عدالتی عموم مردم و بالادست‌اندیشمندان و

آگاهان نوع دوست جامعه را علیه برنامه‌های اجرایی که موجب ظلم و شکاف طبقاتی شده بر می‌انگیزاند.

به طور خلاصه بر اساس دیدگاه دوم توزیع عادلانه درآمد شرط لازم رشد سریع اقتصادی است.

#### ۳.۴ دیدگاه سوم: هم‌زمانی رشد اقتصادی و توزیع درآمد

در این دیدگاه رشد سریع اقتصادی با توزیع عادلانه - درآمد به عنوان اهداف اصلی توسعه ناسازگار نیستند و هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارند. هدف اصلی برنامه - های توسعه اقتصادی باید ایجاد الگوی مطلوب رشد - درآمد همگانی باشد، همگانی شدن جریان رشد اقتصادی درآمد گروه‌های بسیار فقیر را هم زمان افزایش می‌دهد.

#### ۵. نظریه اقتصاد اسلامی در مورد تقابل رشد اقتصادی و توزیع درآمد

اقتصاد اسلامی حتی قبل از تولید اعتقاد به توزیع عادلانه دارد. قبل از تولید کالا و خدمت عوامل تولید و منابع طبیعی باید براساس استحقاق افراد و مطابق با عدالت اجتماعی بین افراد جامعه توزیع شود. پس از تولید کالا و خدمت عواید حاصل از تولید باید براساس نسبت مشارکت در تولید تعیین و پرداخت شود. در نظریه اقتصاد اسلامی انسان خلیفه خداست بنابراین تولید برای وی و توسط وی صورت می‌گیرد لذا سهم نیروی کار نسبت به سایر عوامل تولید از اولویت برخوردار است. در نظریه اقتصاد اسلامی بین رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، ثروت و امکانات اجتماعی سازگاری وجود دارد و هم‌زمانی آنها موجب هم‌افزایی می‌شود (دادگر و نجفی، ۱۳۷۸، ۲۱۴).



۱. توانایی‌های جسمی و فکری (درجه هوش، خلاقیت و قدرت جسمی)
۲. تعلیم و تربیت (آموزش رسمی و غیر رسمی)
۳. سطح تحصیلات
۴. ارث
۵. تجربه و دوران اشتغال
۶. ریسک پذیری یا ریسک ناپذیری یا بی‌تفاوتی نسبت به ریسک
۷. ویژگی‌های فرهنگی، قومی و محلی
۸. عوامل جبری و تصادفی نظیر شانس (لشکری، ۱۳۸۹، ۲۶۴).

#### ۷. نقش دولت در توزیع عادلانه درآمد

بدون دخالت دولت درآمد حاصل از رشد اقتصادی به طور نامتعادل توزیع می‌شود و در جامعه شکاف عمیق طبقاتی ایجاد می‌شود و یک گروه کوچک ممتاز از حداکثر امکانات بهره‌مند می‌شوند و جمع کثیری از افراد جامعه زیر خط فقر قرار می‌گیرند و از حداقل امکانات اولیه هم بهره‌مند نمی‌شوند، لذا دولت باید در امر توزیع درآمد، ثروت و فرصت‌های شغلی، آموزشی و بهداشتی دخالت نماید. دولت از چهار طریق می‌تواند بر توزیع درآمد تأثیر بگذارد:

#### ۱. دریافت مالیات مستقیم و غیرمستقیم از درآمدهای بالا

چون دولت‌ها برای اجرای برنامه‌های توسعه خود نیاز به منابع مالی دارند این منابع مالی از طریق مالیات تأمین می‌شود. دریافت مالیات از درآمدهای بالا و از ثروتمندان هم منبع درآمدی برای دولت است و هم درآمدهای بالا را تعدیل می‌کند و شکاف طبقاتی را کاهش می‌دهد. تودارو معتقد است که نرخ‌های تصاعدی مالیات بر روی کاغذ تصاعدی و در عمل اغلب نزولی است (تودارو ۱۳۷۷: ۱۷۹). به این معنی که گروه‌های پایین درآمدی به طور

#### ۶. عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

عوامل متعددی بر نابرابری توزیع درآمد مؤثرند برخی از این عوامل نتیجه شرایط توارثی، ژنتیکی و تفاوت‌های فردی بین افراد مختلف جامعه است و برخی از این عوامل نتیجه سیاست‌های دولت و شرایط اجتماعی است. عوامل مؤثر بر توزیع درآمد را در دو بخش ۱. عوامل طبیعی؛ ۲. عوامل سیاسی طبقه‌بندی نموده و به توزیع هر کدام می‌پردازیم.

#### ۱. عوامل طبیعی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

بین افراد مختلف تفاوت‌های فردی جسمی، روحی، وراثتی، وجود دارد. چون افراد از لحاظ درجه هوش، توانایی‌های جسمی ذاتی، مسئولیت پذیری، صبر و تحمل در مقابل مشکلات، قناعت و سازگاری با محیط تفاوت دارند لذا دو فرد با شرایط یکسان تحصیل و تجربه و سن دریافتی متفاوت دارند کاهش این تفاوت‌ها بسیار مشکل بوده و در حوزه برنامه‌های توسعه نیست.

#### ۲. عوامل سیاسی مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد

مسئله فقر و توزیع ناعادلانه درآمد منشأ سیاسی و نهادی دارد در کشورهای در حال گذر عوامل جبری شامل انواع تبعیضات نظیر تفاوت در حقوق زن و مرد، عدم رعایت حقوق کودکان و زنان سرپرست خانوار، تفاوت بین - حقوق کارگران داخلی و خارجی و تفاوت بین افراد وابسته به مراکز قدرت سیاسی و افراد عادی و عوامل تصادفی نظیر خوش شانس یا بد شانس در زمینه پیدا کردن شغل مناسب، ادامه تحصیل، ازدواج و استفاده از امکانات بر توزیع درآمد مؤثرند. به طور خلاصه عوامل مؤثر بر توزیع نابرابر درآمد عبارتند از:

کشورها سیاست‌های متعدد دولت نظیر ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری، معافیت مالیاتی، نرخ بهره کمک شده از طرف دولت، نرخ ارز بیش برآورد شده برای صادرات و نرخ ارز ارزان برای واردات، تعرفه پایین گمرکی بر واردات کالاهای سرمایه‌ای است.

از طرفی نرخ دستمزد نیروی کار در نتیجه محدودیت‌های نهادی و سیاست‌های ناصحیح بالاتر از مقداری است که به وسیله عرضه و تقاضای کار تعیین می‌شود (همان، ۱۷۶). علت بالا بودن دستمزدها از دستمزدهای تعادلی وجود قدرت اتحادیه‌های کارگری، حزب کار و نهادهای مختلف حامی کارگران است لذا حداقل دستمزدها مصنوعاً بالا می‌باشد.

در این کشور نرخ بیکاری بالا است ولی در عین حال دستمزدها نیز بالا می‌باشد. لشکری اشاره می‌کند که پرداخت دستمزدهای بالا و نرخ بالای بیکاری ابزاری است برای کنترل نیروی کار چون همیشه سطح بالای بیکاری تهدیدی برای کارگران شاغل است (لشکری، ۱۳۸۴: ۱۶۲-۱۶۵).

قیمت‌های تحریف شده سرمایه و کار موجب می‌شود تا کارفرمایان سرمایه را جانشین نیروی کار نمایند و همچنان سطح بیکاری را بالا نگه دارند. برای تصحیح قیمت‌های تحریف شده پیشنهاد می‌شود دولت امتیازهای ویژه خود را به سرمایه بر طرف سازد تا قیمت سرمایه به سطح کمیابی واقعی آن افزایش یابد. پرداخت دستمزدهای پایین در بخش دولتی موجب می‌شود تا کارفرمایان در فعالیتهای تولیدی خود کارگر را جانشین سرمایه کنند چنین تغییر قیمتی سطح اشتغال را افزایش می‌دهد و درآمد فقرا را افزایش می‌دهد و چون قیمت نسبی سرمایه افزایش یافته، بازده اقتصادی سرمایه کاهش می‌یابد و درآمدهای صاحبان سرمایه به طور نسبی کاهش می‌یابد چون فرض می‌شود که در هر اقتصادی قیمت عوامل تولید به عنوان علامت و انگیزه نهایی عمل می‌کند تصحیح این قیمت‌ها نابرابری درآمدها را کاهش می‌دهد.

نسبی سهم بالاتری از درآمد خود را نسبت به گروه‌های بالای درآمدی به عنوان مالیات می‌پردازند. چون گروه‌های پایین درآمدی عمده درآمد خود را از دستمزد به دست می‌آورند که قطعاً دارای گزارش مالیاتی است ولی ثروتمندان درآمد خود را از بازده سرمایه‌های مادی به-دست می‌آورند که اغلب فاقد گزارش مالیاتی است. دولت‌های کشورهای در حال گذر باید قدرت نظارتی و کنترل خود را بالا ببرند تا مالیات واقعاً به طبقات بالا تعلق گیرد تا توزیع درآمد را متعادل نماید.

## ۲. پرداخت یارانه و تأمین نیازهای اساسی گروه‌های درآمدی پایین

اغلب گروه‌های درآمدی پایین فاقد امکانات لازم برای بر طرف کردن نیازهای اساسی نظیر مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، آموزش و امنیت هستند. به همین دلیل بازدهی آنها و در نتیجه درآمد آنها اندک است. دولت‌های کشورهای در حال گذر می‌توانند از درآمدهای مالیاتی خود کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم به قشرهای پایین اجتماعی کنند تا آنها نیازهای اولیه خود را برطرف نموده و بازدهی آنها افزایش یابد این امر موجب تعدیل درآمد می‌شود و گروه‌های پایین نیز از منافع حاصل از رشد اقتصادی بهره مند می‌شوند و توزیع درآمد تعدیل می‌شود.

## ۳. اصلاح نظام مالکیت، قوانین ارث و ایجاد اشتغال

دولت می‌تواند نظام مالکیت را از طریق اصلاحات ارضی و قوانین ارث را از طریق لایحه یا طرح در مجلس قانون-گذاری تصحیح نماید و برای افراد مایل و قادر به کار شغل مناسبی در بخش خصوصی یا دولتی ایجاد نماید. هر کدام از موارد فوق موجب تعدیل درآمد و ثروت به نفع طبقات پایین می‌شود.

## ۴. تغییر قیمت‌های نسبی عوامل

در کشورهای در حال گذر قیمت تجهیزات سرمایه‌ای به طور نهادی مصنوعاً در سطح پایین قرار دارد (تودارو، ۱۳۷۳: ۱۷۶). دلیل پایین بودن قیمت سرمایه در این



## ۸. نتیجه بحث و پیشنهادات

توزیع درآمد یک موضوع ارزشی است و در اقتصاد اثباتی خیلی به آن پرداخته نمی‌شود. توزیع نابرابر درآمد هم از نظر عدالت اجتماعی نامطلوب است و هم از نظر رشد اقتصادی.

در مورد اولویت رشد اقتصادی بر توزیع درآمد یا اولویت توزیع درآمد بر رشد اقتصادی سه دیدگاه وجود دارد. از هر دیدگاه تعداد زیادی از اقتصاددانان با استدلال دفاع می‌کنند.

در دیدگاه اول رشد بر توزیع درآمد اولویت دارد. در دیدگاه دوم توزیع درآمد بر رشد اولویت دارد و در دیدگاه سوم هیچ کدام بر دیگری اولویت ندارند. نظریه اقتصاد اسلامی با دیدگاه سوم مطابقت دارد.

اندازه و وسعت فقر در هر کشور تابع دو عامل است:

۱. سطح متوسط درآمد ملی

۲. درجه نابرابری در توزیع درآمد

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: الملك یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم سرزمین (حکومت) با کفر باقی می‌ماند و لا یبقی مع الظلم باقی نمی‌ماند.

کاد الفقر ان یكون الکفرا نزدیک بود فقرشان به کفر مبدل شود.

من لا معاش له لا معاد له کسی که معاش ندارد معاد ندارد.

ظلم که از حد بگذرد نه ایمان باقی می‌ماند و نه انصاف و هر اتفاقی ممکن است رخ دهد.

اقتصاد اسلامی حتی قبل از تولید اعتقاد به توزیع عادلانه دارد. قبل از تولید کالا و خدمت عوامل تولید و منابع طبیعی باید براساس استحقاق افراد و مطابق با عدالت اجتماعی بین افراد جامعه توزیع شود. پس از تولید کالا و خدمت عواید حاصل از تولید باید براساس نسبت مشارکت در تولید تعیین و پرداخت شود. در نظریه اقتصاد اسلامی انسان خلیفه خداست بنابراین تولید برای وی و توسط وی صورت می‌گیرد لذا سهم نیروی کار نسبت به

سایر عوامل تولید از اولویت برخوردار است. در نظریه اقتصاد اسلامی بین رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، ثروت و امکانات اجتماعی سازگاری وجود دارد و هم زمانی آنها موجب هم افزایش می‌شود.

بدون دخالت دولت درآمد حاصل از رشد اقتصادی به - طور نامتعادل توزیع می‌شود و در جامعه شکاف عمیق - طبقاتی ایجاد می‌شود و یک گروه کوچک ممتاز از حداکثر امکانات بهره مند می‌شوند و جمع کثیری از افراد جامعه زیر خط فقر قرار می‌گیرند و از حداقل امکانات اولیه هم بهره مند نمی‌شوند، لذا دولت باید در امر توزیع درآمد، ثروت و فرصت‌های شغلی، آموزشی و بهداشتی دخالت نماید.

## ۱۰. پیشنهادات سیاستی

پیشنهاد می‌شود دولت شرایط عادلانه امکان تحصیل، اشتغال و بهره برداری از امکانات و فرصت‌های اجتماع را برای تمام آحاد مردم فراهم نماید تا هم زمان با رشد اقتصادی توزیع نیز عادلانه باشد زیرا توزیع عادلانه درآمد تنها بخشی از عدالت اجتماعی است عدالت اجتماعی وقتی تحقق می‌یابد که تمام فرصت‌ها عادلانه توزیع شود.

## فهرست منابع

### الف. منابع فارسی:

تودارو، مایکل (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد دوم، چاپ سوم، سازمان برنامه و بودجه.

تودارو، مایکل (۱۳۶۷)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، چاپ سوم، سازمان برنامه و بودجه.

تودارو، مایکل (۱۳۷۷)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ ششم، مؤسسه عالی - پژوهش در برنامه‌ریزی.



## ب. لاتین:

1. Hirschman Albert O(1958) "The Strategy of Economic Development", New Haven, Yale University Press.
2. Kindel Berger. C.P(1965) Economic Development, 2rd Edition.
3. Lewis, A (1951) The Theory of Economic Growth.
4. Myrdal, G(1975) Against the Stream, Critical Essays on Economics, The Macmillan press LTD.London.
5. Myrdal, G(1975) Economic Theory and Underdeveloped Regions.
6. Nurkse. R(1953), Problems of Capital Formation in Underdeveloped Countries, Oxford: Basial and Black well.
7. Radhakrishnan. S (1968), Eastern Religion and Western Thought.
8. Rostow, W(1960), The Stages of Economic Growth, Cambridge: Cambridge University Press.
9. Schumpeter, J.A(1934), The Theory of Economic Development
10. Smith, A.(1937), An Inquiry into the Nature and Causes of the wealth of Nations, ed. E. Cannan. 6<sup>th</sup> edn, New York: Modern Library.

## پ. اینترنتی

1. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=18395&AyeID=679&ltr2=5>
2. <http://fatwa.islamweb.net/fatwa/index.php?page=showfatwa&Option=FatwaId&Id=122434>

توکلی، احمد (۱۳۸۶) مالیه عمومی، چاپ هفتم، انتشارات سمت.

دادگر، یداله و محمد باقر نجفی (۱۳۸۰)؛ مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی، کرمانشاه: دانشگاه رازی.

دادگر، یداله (۱۳۷۸)؛ نگرشی بر اقتصاد اسلامی معرفتها، ارزشها و روشها؛ پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

دادگر، یداله (۱۳۸۶)؛ مالیه عمومی و اقتصاد دولت، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

راولز، جان (۱۳۸۵)؛ عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، انتشارات ققنوس.

رضایی، مهین و محمد لشکری (۱۳۷۹)، توزیع درآمد بین عوامل تولید، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۶۲-۱۶۱، صص ۱۷۲-۱۸۱.

سن، آمارتیا (۱۳۸۶)، نابرابری اقتصادی، ترجمه وحید محمودی و عزت اله عباسیان، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

فراهانی فرد، سعید، (۱۳۸۳)، سرمقاله مجله تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۵، صص ۶-۷.

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز.

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۱)، آدام اسمیت و ثروت ملل، امیرکبیر.

لشکری، محمد (۱۳۸۹)؛ توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، ویرایش سوم، انتشارات دانشگاه پیام نور.

متوسلی، محمود (۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی، سمت.

هایامی، یوجیرو (۱۳۸۰)، اقتصاد توسعه از فقر تا ثروت ملل، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، نشر نی.

هندرسن، جیمز ام و ریچارد ای. کوآنت (۱۳۷۰) تئوری اقتصاد خرد رهیافت ریاضی، ترجمه مسعود محمدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.